



# فصل سوم

ویژگی‌های فرهنگی استان یزد



# درس نهم آداب و رسوم مردم استان



## زبان و گویش‌های مردم یزد

گویش یکی از جنبه‌های مهم فرهنگی و بهترین نمودار چگونگی نظام اجتماعی یک کشور است. بررسی گویش‌ها با دیدی پژوهشی و زبان شناختی افزون بر نگهداری این میراث گران‌بها ما را در شناخت کهن واژه‌های فراموش شده و احیای دوباره آن‌ها به منظور توانمندسازی نظام واژگانی زبان پارسی یاری می‌رساند.

مردم یزد به زبان فارسی رایج با پاره‌ای ویژگی‌های گویشی سخن می‌گویند و بسیاری از واژه‌ها و ترکیبات زیبای فارسی را در گویش خود حفظ کرده‌اند. در استان یزد برخی ویژگی‌های گویشی میان شهرستان‌های مختلف محسوس است. معتقدان به آیین زرتشتی در میان خود هنوز به زبان نیاکانشان سخن می‌گویند و به ویژه مراسم مذهبی خود را با این زبان انجام می‌دهند. گویش یزدی بخشی از پارسی دری (پارسی خالص و اولیه ایرانیان) است.

ممکن است گمان کنیم که نیازی به دانستن گویش‌های بومی و محلی نداریم، اما همین واژگان پشتوانه معنوی و همیشگی برای زبان و فرهنگ پارسی است و می‌توان از آن در غنا بخشیدن به زبان پارسی در هر زمان بهره برد. شایسته است که این گنجینه گران‌بها که نشانه‌ای از ریشه‌دار بودن یک ملت است و از گذشته‌های دور پس از گذراندن رخداد‌های خوب و بد روزگاران به دست ما رسیده است هر چه بیشتر و بهتر نگهداری کنیم و آن را به دست آیندگان بسپاریم.

## بیشتر بدانیم



عواملی چون پیشه، شیوه زندگی و اشیاء، آیین و نوع مذهب، وضع اقتصادی، اقلیم و آب و هوا، در شکل‌گیری گویش‌ها نقش زیادی دارد. برای نمونه در محله خرمشاه که بیشتر افراد معمار بوده‌اند، واژگان ویژه‌ای که معماران و بناها به کار می‌برده‌اند، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است، ولی در محله فهادان که بیشتر افراد به نساجی و شعر بافی می‌پرداختند، بیشتر از واژگان مربوط به این پیشه استفاده می‌شده است. در بافت سنتی یزد هنوز به پاسداشت گویش‌های گذشته از واژگان یزدی که ریشه در زبان پارسی کهن ایرانی دارد، استفاده می‌شود.

## آیین‌های سوگواری

**مراسم سوگواری در ماه محرم و صفر:** مراسم ماه محرم و صفر در استان با شکوه خاصی برگزار می‌گردد؛ به طوری که هیچ محله‌ای نیست که در آن مراسم روضه‌خوانی برگزار نشود. بیشتر مردم با لباس سیاه در محافل تکایا و حسینیه‌ها شرکت نموده و به سینه‌زنی و عزاداری می‌پردازند. گرامیداشت این روزها حتی در بین زرتشتیان هم دیده می‌شود.



در برخی تکایا و حسینیه‌ها پیش از آغاز روضه خوانی چاووش خوانان مرثیه سرایی و شنوندگان را آماده عزاداری می‌کنند. در روزهای تاسوعا و عاشورا آتش گندم نذری پخته می‌شود. دههٔ محرم با مراسم شام غریبان در شب عاشورا به پایان می‌رسد. مردم در این شب بیشتر در حسینیه‌ها گرد هم می‌آیند و به یاد تنهایی شهدای کربلا با شمع روشن، زمزمه می‌نمایند: «شام غریبان حسین (ع) امشب است امشب است...»



شکل ۱-۳- مراسم سوگواری ماه محرم و صفر

**مراسم نخل برداری:** از آیین‌های مذهبی دیگر یزد نخل برداری است. مردم یزد نخل را نماد تابوت سرور شهیدان حسین بن علی (ع) و یاران وفادارش می‌دانند. نخل اسکلت عظیمی از جنس چوب است که مانند درخت سرو است. سرو در فرهنگ عامه نشانهٔ جاودانگی، جوانمردی و آزادگی است که از ویژگی‌های پیشوای شیعیان است. نخل را با پارچه‌ای شمشیربندان می‌کنند. چند آیینهٔ قدی، منگوله‌ها، دستمال‌های ابریشمی رنگی هم بر آن جای می‌گیرند. بر تارک نخل جقه‌های فلزی (پرپرندگان) می‌گذارند. در داخل نخل هم زنگی آویزان است که با به صدا در آوردن آن خبر برپایی نخل از روی زمین و حرکت آن به دور میدان حسینیه اعلام می‌شود. هنگام گذاشتن نخل روی زمین نیز، دوباره زنگ به صدا در می‌آید و با صدای آن با هم یاحسین می‌گویند و نخل را بلند می‌کنند. با هدایت سیدی از اهل محل، روی نخل ایستاده، آن را دور میدان یا حسینیه می‌چرخانند. افرادی که برای شرکت در نخل برداری زیر نخل می‌روند، همه پا برهنه‌اند و شمارشان به بزرگی و کوچکی و وزن نخل بستگی دارد. نمونه‌هایی از نخل‌های شهر یزد در: میدان امیرچخماق، میدان بعثت، حسینیهٔ چهارمنار، فهادان، میدان وقت الساعت و حسینیهٔ شاه ابوالقاسم قرار دارد.





شکل ۲-۳- مراسم نخل برداری در تفت

**مراسم کُتل بستن:** در یزد به اسب زین کرده‌ای که به گونه‌ای ویژه آراسته شده و پیشاپیش دسته عزاداری حرکت می‌کند، کُتل می‌گویند. گاهی به گردن این اسب چند شمال ترمه یا ابریشمی به رنگ‌های سبز و سرخ آویزان می‌کنند و سر و صورت حیوان را با چند قطعه آیینۀ کوچک، نگین، قرآن و... آذین می‌بندند و گاهی هم پارچه سفید خون آلودی را بر پشت حیوان کشیده و چند قطعه چوب رنگ شده قرمز به نشانه تیر و پیکان در پارچه فرو می‌برند. همچنین کبوتر خونی زنده‌ای را نیز بر پشت اسب می‌گذارند. افسار این اسب یا کتل همواره در دست محافظ آن است و جلوی دسته سینه زنی حرکت کرده و بی‌دربی سر و صورت حیوان را نوازش می‌کند. این حرکت نمادین را اسب و کُتل می‌نامند.



شکل ۳-۳- کوچه آشتی کنان

### پیوند معماری با فرهنگ مردم یزد

**کوچه آشتی کنان:** به کوچه‌های تنگ و باریک بافت قدیم شهر که معمولاً دو نفر به دشواری از کنار هم می‌گذرند، کوچه آشتی کنان گفته می‌شود. نقل شیرینی است که در روزگاران گذشته دو نفر که با هم قهر بودند، اتفاقی در یک زمان و از دو جهت مخالف گذرشان به یکی از همین کوچه‌ها افتاد، آن دو وقتی به یکدیگر رسیدند به یک طرف کج شدند تا از کنار هم بگذرند، ولی رو در روی هم میان کوچه گیر کردند. از این رخداد کم کم خنده بر لبان دو طرف آمد و در پی آن کینه‌ها را از دل شستند و با هم آشتی کردند.



شکل ۴-۳- ساباط

**ساباط :** ساباط راهرو و دالان سقف‌داری است که در مسیر کوچه‌ها و معابر ساخته می‌شود. معماران یزدی در ساخت کوچه‌ها هم با توجه به نیازها و شرایط اقلیمی- فرهنگی مردم ویژگی‌های ارزنده‌ای را در نظر داشته‌اند.

از علل ساخت ساباط } وجود اقلیم گرم  
وجود امنیت کوچه‌ها }  
ارتباط بین خانه‌ها از طریق پشت‌بام }

**دربند :** در برخی از کوچه‌های بن بست که دارای ساباط است، در بخش ورودی کوچه دری گذاشته می‌شده است. به این گونه فضاها که برای افزایش امنیت ساکنان کوچه مؤثر بوده دربند می‌گویند.

## جشن‌ها و اعیاد



شکل ۵-۳- دربندی در شهر اردکان

**جشن نوروز باستانی :** چیدن سفره هفت سین یکی از پایه‌های اصلی عید نوروز در یزد است. از روزهای آغازین اسفند ماه، خانه تکانی انجام می‌شود. تمیز کردن خانه و شستن تمام وسایل از اعتقادات مردم این سرزمین و نشان از دگرگونی اساسی در زندگی است. چیدن سفره هفت سین یکی از پایه‌های این جشن باستانی است. در این سفره نمادهای سبزی، آب، ماهی و... و همچنین نمادهای مذهبی نیز دیده می‌شود. هنگام تحویل سال افراد خانواده دور سفره هفت سین می‌نشینند و بزرگ خانواده دعای تحویل سال را می‌خواند. بعد از نوشیدن سال کوچک‌ترها به

دیدن بزرگ‌ترها می‌روند و با شادباش سال نو از آن‌ها عیدی می‌گیرند، دید و بازدید عید هم تا سیزده فروردین ادامه می‌یابد.

**اعیاد مذهبی :** در یزد عید غدیر، عید قربان، عید فطر، میلاد پیامبر، نیمه شعبان و... بسیار باشکوه برگزار می‌شود. پس از نماز عید به دید و بازدید هم می‌روند، شیرینی، شیر، شکلات، شربت و... توزیع می‌شود. یزدی‌ها عید غدیر را عید سادات نیز می‌نامند و به دیدار سادات می‌روند.



شکل ۶-۳- جشن نیمه شعبان



جشن‌های زرتشتیان : جشن‌های زرتشتیان یزد بیشتر همان جشن‌های ایران باستان است، که تا کنون به یادگار مانده‌اند. جشن نوروز، جشن زاد روز اشو زرتشت پیامبر، جشن فروردین‌گان، جشن مهرگان و جشن سده، از این دسته‌اند که در فصول مختلف سال برگزار می‌شود.



شکل ۷-۳- آتشکده زرتشتیان



شکل ۸-۳- سفره‌ای که در جشن مهرگان آن را بهن می‌کنند.

جشن مهرگان : گویند جشن مهرگان به مناسبت پیروزی ایرانیان بر ضحاک (اژدهاک) ستمگر به رهبری کاوه آهنگر برپا شد. ایرانیان به شکرانه این پیروزی که از روز دهم مهر تا شانزدهم همان ماه ادامه دارد، جشن می‌گیرند. در برخی روستاها جشن مهرگان با ساز و شادمانی نیز همراه است و در روز پنجم جشن گروهی از جوانان در محل آدریان یا سرچشمه قنات جمع شده و به شادمانی می‌پردازند.

جشن سده : جشن سده همان جشن پیدایش آتش

است، که از دوره باستان تاکنون رواج داشته است. چون این جشن را در صدمین روز زمستان برگزار می‌کنند، آن را جشن سده می‌نامند.

اعتقادات و باورهای سنتی مردم یزد : اسپند را نیز برای دور ماندن از چشم بد دود می‌دهند. ناخن گرفتن در روزهای ویژه‌ای خوب یا بد است.





## ادبیات شفاهی

### دو بیتی یزدی

شب ابری و بارون خواهد اومد      جلو دار با سپاهون خواهد اومد  
جلودار با جلو دار گيله ' داره      شب گيله گذارون خواهد اومد

### لالایی های یزدی

لا لا لا گل زیره      چرا خوابت نمی گیره      لا لا لا گل فندق      بابات رفته سر صندوق  
بخواب ای نازنین من      ننه قربون تو میره      لا لا لا گل پونه      بابات حالا میاد خونه  
لا لا لا حبیب من      به درد دل طیب من

### بازی های یزدی

اسا بدو، اسای زنجیرباف، لشکرکشی (کشتی)، کلاغ پرپر، غَزَغَزک، یغل دوغل، دزد و جلاد بازی، چشم قایم بازی، هفت سنگ، پالکی اک، کولوغوک، کرتک بازی، گوی و چفته بازی، پسه کش، چرخ و چاهوک، اسالنگ سرتراش، هندونه بری، و... از بازی های مردم یزد است.



شکل ۹-۳- نمونه ای از بازی کودکانه

گردو بازی: این بازی بیشتر بین دو نفر انجام می شود. هر بازیکن دو تا پنج گردوی خود را به طور مساوی سرمایه گذاری می کنند و به صورت سرپا به فاصله یکی دو متر روبه روی هم روی زمین صاف می نشینند. آن ها به ترتیب گردوهای خود را بین دو کف دست قرار می دهند و رها می کنند. در نتیجه گردوها با فاصله های کم و زیاد روی زمین پخش می شوند. اگر تصادفاً دو یا چند گردو پهلوی هم قرار گیرند و تماس هم شوند، اصطلاحاً می گویند: «بال نیست». یعنی نمی پذیرند و دوباره گردوها را پخش می کنند. سپس نخستین نفر در همان حالت نشسته با کمک دو انگشت شست و سبابه و یا دو انگشت شست و میانی به یکی از این گردوها تلنگر می زند. اگر این گردو به هر چند تا از گردوهای دیگر برخورد کند، آن گردو یا گردوها به این بازیکن می رسد، و برخورد نکرد، به طرف دیگر می رسد.

بیشتر بدانیم



«ضرب المثل‌های یزدی»

خدا شتر لوک را نصیب کلاغ کور موکنه  
شولی به سرم ریز که مجال خوردنم نیس  
او کجه یا نو کجه

فعالیت



- ۱- چرا باید آداب و رسوم شهر خود را بشناسیم و در حفظ آن کوشا باشیم؟
- ۲- چنانچه در محل زندگی شما گویش یا لهجه محلی وجود دارد، حداقل چهار جمله یا عبارت از آن را بگویید.
- ۳- دو نمونه دیگر از ضرب المثل‌های منطقه خود را نام ببرید.